

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن آلمان

تیکه داران فرهنگ

یاران ! که دیده باشد ، زیر سیلاب فرهنگ
زنگیده شیشه دل ، رویش حجاب فرهنگ
امواج بحر علمست ، در ساحل ادیبان
افواج خودنمائی پا در رکاب فرهنگ
شد باغ و راغ فرهنگ ، پُر زاغ و بوم و باشه
با کرگسان نوازند ، چنگ و رباب فرهنگ
مدهوش و مست و بیخود ، از باده تظاهر
هر هرزه ای ندارد ، تاب شراب فرهنگ
گر بُز فتد به میدان ، از هر طرف کشانند
بر دست تیکه داران ، بنگر طناب فرهنگ
فرهنگ شد متاع و ، فرهنگیان چو دلال
با کاسبان فرهنگ ، دارند حساب فرهنگ
هر ناسپاس دوران ، بر مسندی نشسته
دزدیده مطلبی را ، از هر کتاب فرهنگ
آمد سر زبانها ، تا نام بی نشان
بر آسمان بلند شد ، دود کباب فرهنگ

کبر و غرورِ شهرت ، مستیِ خاص دارد
یک دنده ها به عَوَّو ، همچون کِلَابِ فرهنگ
نیرنگ ، زنگ بسته ، بر زنگِ پای زاهد
آهنگِ ناخراشش ، دارد عذابِ فرهنگ
با مکر در تَغْتِئِ ، با حیلِله در تَرَنِّی
تا روی صحنه حاضر ، گردد غُرَابِ فرهنگ
از بس ز نامِ فرهنگ ، کردند استفاده
چیزی دگر نیابی ، جز از ترابِ فرهنگ
حالا که ریشِ فرهنگ ، افتاده دستِ هر دنگ
قالیچهٔ تَفَاخُر ، از پشم ، تابِ فرهنگ
از پشه فیل سازند ، از مور ، مار و اژدر
در منجَلاب ساکن ، حرف از گِلَابِ فرهنگ
دستی گرفته بُردم ، از خاک ، اوجِ افلاک
زخمِ زبان نصیبم ، از هر ذبابِ فرهنگ
مارا حدیثِ عشق است ، سرمایهٔ تجارت
هم سود و هم زیانش ، باشد ثوابِ فرهنگ
« نعمت » ز اشکِ حسرت ، دوزد قُبای حُرمت
صد پاره تا به دامن ، دیده قُطَابِ فرهنگ